



نیوشا طبیبی گیلانی

روزنامه‌نگار

در نگویش و ستایش شبکه‌های اجتماعی و فضای مجازی فراوان گفته می‌شود، شنیده‌ایم و می‌شنویم و خواهیم شنید. شبکه‌های اجتماعی در بالابردن آگاهی‌های محیط‌زیستی، حساسیت روی آثار ملی، تاریخی و منابع طبیعی نقش مهمی بازی کرده‌اند. درست است که در این فضا، حقه‌بازان و کلاهبرداران توانسته‌اند بساط شیادی خود را پهن کنند و از جیب خلق الله پول بکشند یا بدنامان برای خود پیشینه جعلی فراهم کنند، اما بنابر خاصیت دسترسی همگانی به این فضا، عمر این قبیل امور کوتاه است و غالباً دست شایدان و حقه‌بازان زود رومی‌شود و طبل رسوایی‌شان را همان‌جا می‌زنند. از سوی دیگر آدم‌های شریف و مقبول هم که حرفی برای گفتن دارند از طریق این فضای صدای خود را به گوش بقیه می‌رسانند. تشخیص سره از ناسره وید از خوب البته مهارت‌هایی لازم دارد که روز به روز عده بیشتری آنها را کسب می‌کنند.

پس در این فضا هم دروغ و دورویی و کالی‌بی‌ارزش به مردم عرضه می‌شود، هم سخن خوب و نیکو و آموزه‌های بسیار ارزشمند. با چند جست‌وجو می‌توان به حجم عظیمی از دوره‌های آموزشی‌ای که توسط بزرگترین و بهترین دانشگاه‌های دنیا به رایگان عرضه می‌شود، دست یافت. در ایران استادان فلسفه، ادبیات و رشته‌های دیگری که حضور در کلاس‌های درس‌شان برای بسیاری آرزو بوده، درس‌گفتارهایشان را در فضای مجازی منتشر می‌کنند.

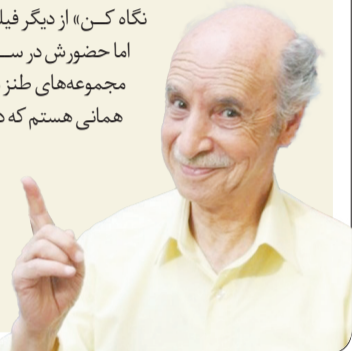
اگر به مشکلی در نصب تجهیزات یا تعمیر وسیله‌ای برخورد کنید، حتماً فیلم آموزشی مناسبی را می‌توانید روی شبکه یوتیوب پیدا کنید. جوان‌ترها برای آموختن بسیاری از مهارت‌ها مستقیم سراغ یوتیوب می‌روند. مثلاً در حوزه عکاسی و رشته‌های مختلف آن صدها فیلم پیدا می‌شود که استادان و متخصصان فن در آنها به بهترین شیوه‌ها، آموزش عملی عکاسی می‌دهند. در این شبکه‌ها مثل اینستاگرام و یوتیوب، محتوای غیراخلاقی کمتر پیدا می‌شود و این تولیدات به پلتفرم‌های خاصی رانده شده‌اند و در دسترس عموم و در فضای شبکه‌های اجتماعی تقریباً وجود ندارند. اما در کنار همه این محسنات شبکه‌های اجتماعی که رفع فیلتر از آنها را الزامی می‌کند، حداقل یک ضایعه و گرفتاری در اثر مجاورت و تماس دائمی با این شبکه‌ها گریبان گیر همه شده. به نظر می‌رسد که «ناشکیبایی عمومی» ضایعه‌ای است که این روزها بیش از پیش به چشم می‌آید. ایرانی بعد از مواجهه با مدرنیته غربی، احساس کرد که از زمان عقب افتاده، عباس میرزا اولین پرسش را از سفیر فرانسه قریب به مضمون در همین موضوع پرسید که «چرا ما جا ماندیم و شما رفتید؟». در این پرسش نوعی اضطراب وجود دارد که شاید همین اضطراب سبب ناشکیبایی تاریخی ما باشد؛ ملتی که «تأمل» و ژرف‌نگری در امور عالم، وجه ممتاز صفات تاریخی و اجتماعی‌اش بود و ایسن تأمل، ژرف‌نگری و ظرافت در معماری و ادبیاتش به روشنی عیان است، به ورتله اضطراب و ناشکیبایی و عجله افتاد؛ دلواپسی از جاماندن همچنان با ما هست.

آن اضطراب تاریخی با سرعت تولید و دریافت خبر و دیدن ویدئوهای بسیار کوتاه در تیک‌تاک و اینستاگرام، ناشکیبایی ما را تشدید کرده و عادت ما را تغییر داده. ریتم زندگی در جهان تغییر پیدا کرده، حتی ضربان قلب تپان در فیلم‌های پنج، شش سال گذشته تاکنون هم شکل دیگری به خود گرفته‌اند. در این فضا کمتر کسی حوصله خواندن کتاب‌های قطور و زمان‌های چندجلدی را دارد و کمتر افرادی پیدا می‌شوند که حوصله کنند و سیر صبر حرف‌های یک سخنران را بشنوند. کار به اینجا کشیده که خود سخنران‌ها هم حوصله خواندن متون کمی طولانی را ندارند. صحنه‌هایی که در این چند روز در مجلس دیده شدند، نشان داد که معضل به نقاط سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری رسیده است. احتمالاً دیگر گزارشی مفصلی که توسط کارشناسان تهیه می‌شوند، خوانده نمی‌شوند و یکسره به پایگانی می‌روند، بنابر آنچه دیده‌ایم، حتی تشریفات و الزامات رای‌گیری‌ها و سخنرانی‌های موافق و مخالف هم بیش از پیش لقی و بی‌پهلو جلوه می‌کند. سخنران در فضایی پر از مهمه‌انگاری برای خود و تعداد اندکی خطابه‌ای را می‌خواند و بعد شخص دیگری می‌آید و حرف خودش را می‌زند. کسی به حرف کسی گوش نمی‌دهد؛ مگر برای نکته‌گیری، ناشکیبایی عمومی که دامن گیر ما شده، ما را دچار درشت‌بینی، سطحی‌نگری و عجله در تصمیم‌گیری می‌کند. بی‌آمد این عادت در تمام شئون زندگی‌مان قابل دیدن است و به زودی بیش از پیش آشکار خواهد شد.

بازیگر قدیمی و پدری متفاوت

هوشنگ حریر چیان را بیشتر در شمایل پدری سختگیر و مهربان به یاد می‌آوریم. او مردادماه ۱۳۱۱ به دنیا آمد و در مردادماه ۱۴۰۳ در حالی که سن ۹۲ سالگی از دنیا رفت که دوست داشت ۱۰۰ سال دیگر زنده باشد. هوشنگ حریر چیان فعالیت هنری خود را از دی ماه ۱۳۲۶ در تئاتر اصفهان با مدیریت زنده‌یاد استاد ناصر فرهمند آغاز کرد. او در سال ۱۳۴۸ اولین تجربه تلویزیونی خود را بنام «عکاس باشی» انجام داد و فعالیت سینمایی خود را با بازی در فیلم «جعفر خان از فرنگ برگشته»، به کارگردانی زنده‌یاد علی حاتمی آغاز کرد. «عزیز میلیون دلاری»، «قاعده بازی»، «یک بوس کوچولو»، «فرش باد» و «گاهی به آسمان نگاه کن» از دیگر فیلم‌هایی بود که بازی کرد، اما حضورش در سریال‌های تلویزیونی به‌ویژه مجموعه‌های طنز موجب شهرتش شد. من همانی هستم که در «اشیزباشی»، نقش یک

پدر بادبسیلیان را بازی کردم و در «ساختمان پزشکان» هم نقش یک پدر بلغمی مزاج، طنز و باری به هر جهت.



عکس: ایرنا

پاتک به گوته

مؤسسه آلمانی زبان آموزی احتمالاً در پاسخ به تعطیل شدن مرکز اسلامی هامبورگ توسط قوه قضائیه پلمب شد

است که شاهد هستیم، بخشایش اردستانی در پاسخ به این سوال که روابط ایران آیا با مشکل روبه‌رو می‌شود یا خیر؟ گفت: «قرار نیست روابط دو کشور خدشه‌دار شود، چون غربی‌ها از ارتباط با ایران نفع می‌برند. ایران کشور بزرگی است، مساحت بسیاری از کشورهای ایرانی به مساحت دو سه استان آنهاست، بنابراین آنها به ما نیاز دارند. این نکته را نیز به شما بگویم که دولت آلمان قطعاً دلش به حال مردم ما نسوخته که بخواد زبان آلمانی را در ایران آموزش دهد. قطعاً گسترش فرهنگ‌شان و سایر مسائل نیز دخیل است.» رسانه‌های آلمان از جمله «نیوفکت» نیز عقیده دارند که تعطیلی مؤسسه گوته علاوه بر غیرقانونی بودن، یک اقدام متقابل از سوی دولت ایران است. علی ماجدی، سفیر پیشین ایران در کشور آلمان نیز در گفت‌وگو با هم‌میهن نگاه متفاوتی نسبت به بخشایش اردستانی دارد: «به‌حرف‌های آلمانی، این کار را انجام نمی‌دهد. کار دیگری انجام نمی‌دهد و نمی‌داند واقعاً چه کسانی این کار را انجام داده‌اند. بعد می‌دانم که دولت ایران تصمیم گرفته باشد چنین کاری انجام دهد. قبل از این کار می‌توانستند سفیر آلمان یا معاونش را بخوانند، درباره‌ی این موضوع صحبت کنند و دلیل و جزئیات این کار را توضیح دهند.» ماجدی با تقبیح تعطیلی مرکز اسلامی هامبورگ توسط دولت آلمان گفت: «من آن کار آلمان را هم قطعاً تقبیح می‌کنم. باید توضیح دهند که چه دلیلی این کار انجام شده است. گفته شده که چرا دولت محلی اینجا نگاه امنیتی به این مرکز پیدا کرده است. اگر چنین چیزی درست باشد، مرکز اسلامی هامبورگ باید بخواد که این موضوع را بررسی کنند که چرا اینگونه با آن‌ها برخورد می‌شود. ماجدی می‌گوید، با برخورد‌های متقابل به‌عنوان اعتراض مخالف است و این که در مقابل، مثل خود آن‌ها برخورد کنیم درست نیست. او افزود: «به‌نظر راه‌های دیگری وجود دارد که اول باید آن‌ها را امتحان کرد. این اقدامات باعث می‌شود روابط بدتر شود در حالی که می‌شد به نحو دیگری پیگیری کرد و قبل از تعطیلی مؤسسه‌ای با این قدمت، دلیل این برخورد را جویا شد.»



سپهر خرمی

گزارشگر هم‌میهن

ماموران انتظامی ایران روز گذشته با ورود به دو ساختمان واحد دیپلماتیک مؤسسه گوته، این مؤسسه را پلمب کردند. خبرگزاری می‌زبان وابسته به قوه قضائیه ایران، دلیل تعطیلی این مؤسسه آلمانی را ارتکاب اعمال غیرقانونی متعدد و تخلفات گسترده مالی عنوان کرده است. این در حالی است که بسیاری تصور می‌کنند این اقدام در پاسخ به رفتار دولت آلمان برای بسته شدن مرکز اسلامی هامبورگ است که سوم مردادماه رخ داده بود. گفتنی است وزارت کشور آلمان، ماه گذشته با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرده بود: «مرکز اسلامی هامبورگ (معروف به مسجد آبی)، نظم قانون اساسی جمهوری فدرال آلمان را نقض کرده و تحریک‌های ضدیهودی و ضداسرائیلی را گسترش می‌دهد.» بنا بر اعلام این وزارتخانه، صبح روز چهارشنبه ۲۴ ژوئیه به دستور دادگاه، ۵۳ مورد از اماکن مرتبط با این مرکز در هشت ایالت آلمان، توسط ده‌ها مأمور مورد بازرسی قرار گرفت و اموال و دارایی آنها نیز ضبط شد. حالا با بسته شدن مؤسسه گوته که به‌نوعی مورد تأیید سفارت آلمان در ایران است، باید دید روابط دو کشور وارد چه فازی خواهد شد؛ به‌خصوص که شب گذشته سفیر ایران در برلین از سوی دولت آلمان احضار شد. در این گزارش گفت‌وگویی با احمدبخشایش، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس، علی ماجدی، سفیر پیشین ایران در آلمان و اساتید مؤسسه گوته، آخرین شرایط این اتفاق را مورد نقد و بررسی قرار داده‌ایم.

مشاهدات عینی از بسته شدن گوته

همانطور که پیش‌تر اعلام شد مؤسسه گوته که ظهر دیروز با ورود قهری نیروهای امنیتی بسته شده بود، باعث شوکه شدن دانشجویانی شد که دیروز در کلاس‌ها حضور داشتند. یکی از دانشجویان این مؤسسه که دیروز اتفاقات را مشاهده کرده، در گفت‌وگو با خبرنگار هم‌میهن گفت: «ما در کلاس بودیم که صدای داد و فریاد را از بیرون شنیدیم. در ابتدا همه فکر کردیم که دعوا شده اما به‌یکباره دیدیم افرادی که مشابه نیروهای انتظامی بودند، وارد حیاط شدند. بعد از ۳۰ تا ۴۰ دقیقه همه‌ی ما را که در کلاس‌ها و حیاط بودیم، به بیرون هدایت کردند و گفتند دیگر هیچ دانشجو یا استادی حق ندارد اینجا حضور داشته باشد.» همچنین یکی دیگر از اساتید مؤسسه گوته گفت: «متأسفانه دیروز روز خوبی نبود و هم‌زمان با اینکه در حال تدریس بودیم به‌یکباره متوجه شدیم که نیروهای امنیتی به داخل مؤسسه آمده‌اند و قصد بستن این مؤسسه را دارند.» این استاد مؤسسه گوته در خصوص اینکه در این مؤسسه چه فعالیت‌هایی انجام می‌شود، گفت: «مؤسسه گوته صرفاً کلاس زبان است که مورد تأیید سفارت آلمان است. افراد بسیاری در دو، سه دهه اخیر در این مؤسسه حضور یافتند و با گذراندن دوره‌های زبان، موفق به اخذ مدرک زبان آلمانی شدند. مؤسسه گوته همچنین آزمون‌های معتبر آلمانی را زیر نظر سفارت آلمان برگزار می‌کند که دانشجویان با اخذ مدرک زبان می‌توانند به کشور آلمان مهاجرت کنند یا زبان آلمانی را در کشور ایران برگزار کنند. از سوی دیگر در کلاس‌ها، ما گشتی را تدریس می‌کنیم که سال‌هاست مورد تأیید نهادهای نظارتی است.»

روابط دیپلماتیک کشور

دولت آلمان اولین کشور بعد از امضای برجام بود که به ایران آمد و سرمایه‌گذاری مجدد را آغاز کرد. با اتفاقات اخیر بسیاری نگران تیره شدن روابط دیپلماتیک دو کشور هستند. احمدبخشایش اردستانی، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با «هم‌میهن» در خصوص این موضوع گفت: «پاسخ متقابلی است به آنچه دولت آلمان، ماه گذشته انجام داد. مرکز اسلامی هامبورگ، ماه گذشته توسط دولت آلمان بسته شد. بعد برخی انتظار دارند جمهوری اسلامی پاسخ متقابل نهد؟ قطعاً پاسخ متقابل

اولویت حقیقت بر زندگی

سیمون وی؛ فیلسوف، عارف مسیحی و فعال اجتماعی فرانسوی بود که در سال ۱۹۰۹ زاده شد و در ۳۴ سالگی به دلیل ابتلا به سل و خودداری از خوردن غذا در اعتراض به اشغال‌گری آلمان‌ها در انگلستان درگذشت. او خود را آثارش می‌نامید و عمده شهرتش به دلیل فعالیت‌های سیاسی‌اش در جهت صلح بود. از جمله آثار او می‌توان به «قدرت کلمات»، «جاذبه و رحمت»، «در باب حذف احزاب سیاسی» و «نامه به کشیش» اشاره کرد. او در کتاب «در انتظار خدا» از عدم وجود خیر راستین و غایبی در این جهان سخن می‌گوید.



در انتظار خدا

نویسنده:

سیمون وی

مترجم:

بهزاد حسین زاده

انتشارات: نشر نی

به‌نظر او تمام انسان‌ها به این موضوع پی می‌برند، اما روی آن سرپوش می‌گذارند؛ چراکه جرات رویارویی با حقیقت را ندارند. به تعبیر خودش: «برای تحمل این درد باید حقیقت را بیش از زندگی دوست داشت.» کتاب «در انتظار خدا» نوشته‌ی سیمون وی، با ترجمه بهزاد حسین زاده در ۲۲۹ صفحه و با قیمت ۱۸۰ هزار تومان توسط انتشارات نی منتشر شده است.

تاسیس سازمان صلیب سرخ



در روز بیست‌ودوم آگوست سال ۱۸۶۴ میلادی، طرح جان هنری دونان مبنی بر تأسیس سازمان صلیب سرخ در کنفرانس بین‌المللی ژنو، مورد پذیرش قرار گرفت. هنری دونان در

۲۴ ژوئن ۱۸۵۹ در سفری جهت اخذ مجوز حفر چاه، عازم شهر لومباردی واقع در شمال ایتالیا شد. در آن زمان این شهر نقطه مرکزی برای ادامه نبرد سولفورینو (منطقه‌ای در شمال ایتالیا) بین فرانسه و اتریش بود. هزاران مرد و زن مجروح جنگی که در رنج و سختی به‌سری می‌پرد، به‌خاطر فقدان کمک‌های ابتدایی مردند. او روستاییان محلی را سازماندهی کرد تا از مجروحان هر دو طرف جنگ مراقبت کنند. تلاش‌های دونان، زندگی افراد زیادی را نجات داد. این سازمان در ابتدا فقط در حوزه مراقبت از سربازان زخمی جنگ فعالیت می‌کرد، اما بعد در دیگر زمینه‌ها نیز وارد شد. تقریباً در همه کشورهای جهان شعبه‌هایی از صلیب سرخ وجود دارد که در طول جنگ و صلح فعالیت می‌کنند و امروزه این نهاد به سازمانی مؤثر در مناسبات بین‌المللی بدل شده است.